سال هفتم، شماره دوم (پیاپی ۱۰)، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ۱۰۵-۱۲۵.

شاپای الکترونیکی: ۳۹۶۳-۲۳۸۳

**دوفصلنامهٔ پژوهش‌های قرآنی در ادبیات**

http://koran.lu.ac.ir

دانشگاه لرستان

مقاله پژوهشی

# بازتاب قرآن کریم در اشعار دلریش ماهیدشتی

**علی سلیمی[۱]، مسلم خزلی[۲*]**

[۱] استاد دانشگاه رازی، کرمانشاه

[۲*] دانشجوی دکتری دانشگاه رازی، کرمانشاه

## چکیده

**عبدالله مرادی، متخلص به دلریش ماهیدشتی یکی از شاعران معروف و خوش‌قریحه کُرد کرمانشاهی معاصر است که تمام دیوان شعر وی به زبان کُردی است. دلریش از شاعران متدیّنی است که قرآن کریم در اشعارش جایگاه ویژه دارد. در این نوشتار به تحلیل اشعار و وجوه أثرپذیری وی از قرآن پرداخته شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش دلریش آیاتی را از قرآن اقتباس نموده است که به دو شیوه انجام گرفته است، در برخی از ابیات کلّ آیه اقتباس شده و در برخی دیگر یا بخش اعظم آیه و یا بخش کوچکی از آن اقتباس شده است. همچنین وی با آوردن برخی از واژگان قرآنی در قالب بیت خود به آیه یا آیاتی از قرآن تلمیح و اشاره کرده است. در برخی موارد نیز بدون استفاده از واژگان قرآنی به زبان شعری (کُردی) با بیت یا ابیاتی به آیاتی از قرآن تلمیح و اشاره کرده است. در اشعار وی نام ۱۴ پیامبر الهی و شخصیت قرآنی آمده است و شاعر به سرگذشت و شیوه‌ی زندگی آن‌ها که در قرآن آمده اشاره کرده است.**

**اطلاعات مقاله**

**دریافت مقاله:**
۱۴۰۱/۴/۲۱

**پذیرش نهایی:**
۱۴۰۱/۱۰/۰۶

**واژگان کلیدی:**
دلریش ماهیدشتی، شعر کُردی معاصر، قرآن کریم، اقتباس، تلمیح، شخصیت‌های قرآنی.

* نویسندهٔ مسئول

پست الکترونیک نویسندگان: salim1390@yahoo.com؛ moslem_khezeli@yahoo.com

**استنادهی به مقاله:**

سلیمی، علی و مسلم خزلی (۱۴۰۱). بازتاب قرآن در اشعار دلریش ماهیدشتی، دوفصلنامهٔ پژوهشهای قرآنی در ادبیات، سال هفتم، شمارهٔ دوم (پیاپی ۱۰)، ص ۱۰۵-۱۲۵.

Doi:10.52547/koran.7.2.105

[ Downloaded from journals.lu.ac.ir on 2024-04-29 ]

[ DOI: 1052547/koran.7.2.105 ]

## ۱. مقدمه

قرآن کتاب آسمانی است که در طول تاریخ مورد توجه همه‌ی طالبان راه حقیقت قرار گرفته و منبع الهام بسیاری از شاعران و ادیبان بوده است. موسیقی کلمات و جملات قرآن همواره مورد توجه محققان بوده و از نظر ترتیل، تغنی، همخوانی و خوشخوانی بی‌نظیر است و با وجود تأثیر عمیق آن در شعر و ادب عربی و فارسی، شعر محسوب نمی‌شود. (خرمشاهی، ۱۳۷۶: ۸)

اقتباس از آیات قرآن به شیوه‌های گوناگون انجام می‌گیرد که از جمله آن‌ها: اقتباس بدون استفاده از لفظ آیه، استفاده از یک کلمه‌ی قرآنی یا بخشی از یک آیه، به کار بردن اصطلاحات قرآنی به جای استفاده از واژگان زبان اصلی (شاعر)، آوردن یک آیه‌ی کامل و همچنین اشاره و تلمیح به زندگی و داستان‌های پیامبران است. شاعران و ادیبان کُرد زبان نیز پس از ورود اسلام به ایران و دیگر مناطق کُردنشین تحت تأثیر کلام الهی قرار گرفتند و در نظم و نثر آن‌ها دگرگونی ژرف و عظیمی پدیدار شد. شاعران کُرد بزرگی همچون علی حریر (۴۰۰-۴۷۰ش) ملای باته‌ای (۱۴۱۷- ۱۴۹۱م) ملای جزیری (۱۵۶۶- ۱۶۴۴م) احمد خانی (۱۶۵۱- ۱۷۰۷م) نالی (۱۷۹۷- ۱۸۵۵م) مولوی کُرد، شیرکو بیکس، سیدیعقوب ماهیدشتی، شامی کرمانشاهی، غلامرضاخان ارکوازی، ولی محمد امیدی و... نیز در طول تاریخ از سوره‌ها و آیات قرآن تأثیر فراوانی پذیرفته و از معانی و مضمون‌ها و تصاویر و زیبایی‌هایی بلاغی آن الهام گرفته و شعر خویش را غنی ساختند. بنابراین، أثرپذیری شاعران از قرآن امری بدیهی و طبیعی است، این أثرپذیری به شیوه‌های گوناگون انجام گرفته است و میزان اقتباس هر شاعر از آیات و مضمون‌های قرآنی نسبت به شاعر دیگر متفاوت است و هر یک به روشی گوناگون از قرآن تأثیر پذیرفته‌اند.

### ۱.۱.فرضیه

در این جستار نیز ما با کاوش در دیوان شعر دلریش ماهیدشتی که لبریز از آیات قرآنی است به أثرپذیری این شاعر دین‌مدار از قرآن می‌پردازیم و وجوه و شیوه‌های أثرپذیری ایشان از قرآن کریم را مورد نقد و تحلیل قرار می‌دهیم. یافته و فرضیه‌ی اساسی این پژوهش در این است که دلریش ماهیدشتی در اشعار خویش از آیات قرآن اقتباس نموده که به شیوه‌های گوناگون انجام گرفته است و در بخشی از اشعارش نیز به زندگی پیامبران الهی و شخصیت‌های قرآنی و داستان‌های مربوط به آن‌ها تلمیح و اشاره کرده است.

### ۱.۲.پرسش تحقیق

پرسش اصلی مقاله این است که أثرپذیری دلریش ماهیدشتی از قرآن چگونه است؟ و به چه شیوه‌ای در شعر او بازتاب یافته است؟ کیفیت و کمیّت این أثرپذیری چگونه است؟

### ۱.۳. پیشینه و روش تحقیق

در مورد أثرپذیری شعرا از قرآن در ادبیّات فارسی مقالات و کتبی چند انجام گرفته است از جمله کتاب «تأثیر قرآن و حدیث در ادبیّات فارسی» تألیف علی‌اصغر حلبی به چاپ رسیده است، ولی در زبان و ادبیّات کُردی پژوهش مستقلی در باب أثرپذیری شاعران کُرد از قرآن صورت نگرفته است. در مورد دلریش ماهیدشتی نیز تاکنون پژوهش مستقلی انجام نگرفته و این نخستین پژوهش در مورد شعر اوست.



[ Downloaded from journals.hcac.ir on 2024-04-26 ]

[ DOI: 1052547/koran.7.2.105 ]

## ۲. پردازش تحلیلی موضوع

عبدالله مرادی، متخلص به دلریش ماهیدشتی متولد (۱۳۲۸) در روستای تنگ شیان از توابع اسلام‌آباد غرب چشم به جهان گشود. پدر و اجداد ایشان در ماهیدشت زندگی می‌کردند، ولی گردش روزگار باعث شد که در اسلام‌آباد زندگی کند. وی در خانواده‌ای پرورش یافت که همه با شعر و ادب آشنا بوده‌اند. شاعر ابتدا در محضر پدرش جهانبخش مرادی که شخصی ادب‌دوست بود شعر را شروع نمود و در سن ۲۱ سالگی در اداره‌ی ریشه‌کنی مالاریا به عنوان کارمند غیررسمی مشغول شد و در مدت چهار سال با تمام آداب و رسوم مردم کرمانشاه و کردستان آشنا گردید و با توجه به علاقه‌ای که داشت بر دو زبان عربی و انگلیسی تسلط یافت و پس از چهار سال در اداره کل پست استان کرمانشاه استخدام گردید و به خاطر علاقه‌ای که به زادگاه آبا و اجدادی خود داشت محل خدمت خود را در ماهیدشت انتخاب نمود (ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۹)

دیوان شعر دلریش تماماً به زبان کُردی است که این باعث تمایز و اعتبار ویژه‌ی شعر وی در میان هم‌نوعان خود شده است. گویشی که شاعر با شعر سروده کُردی جنوبی است که بیشتر اشعارش به گویش کُردی کرمانشاهی و گویش کلهری هستند. دیوان شعر وی دربرگیرنده‌ی ۱۱۵ قصیده و مثنوی است که در این میان غزل و مضمون‌های غنایی بیشترین سهم را داراست. از دیگر موضوعاتی که در شعر وی بازتاب بیشتری دارد سه مناجات‌نامه‌ای است که در آن به ستایش پروردگار متعال و سرگذشت و سیره‌ی پیامبران الهی و ائمه اطهار پرداخته است و در قالب مثنوی سروده است. (ر.ک ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۱۳۳-۱۴۶).

یکی دیگر از موضوعات شعری پربسامد ایشان مدح و مرثیه‌ی رجال سیاسی و مذهبی است که در این میان سه قصیده و مثنوی در سوگ ارتحال امام خمینی(ره) سروده است که مشحون از آیات قرآن کریم و سرگذشت پیامبران الهی است. (ر.ک ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۱۸۱-۱۸۲ و ۱۸۶-۱۹۳) در پایان دیوان نیز چیستان‌های کُردی و گفتگوها و نامه‌های شاعر با دیگر شاعران کُرد همچون اسد چراغی، هوشنگ صحرایی خزلی، محمدحسین خسروی و... آمده است. با دقت در دیوان شاعر متوجه می‌شویم که او از زبان عربی آگاهی کامل و وافی دارد و این موضوع در به کارگیری واژگان و اصطلاحات و کلمات ترکیبی عربی همچون ابروی احمری، صعب‌العلاج، عطر عبیر و... در ساختار شعرش نمود بیشتری می‌یابد، ولی با وجود زبان شعری وی بسیار ساده و بی‌تکلف است و واژگان اصیل کُردی در آن هویداست. مهم‌ترین موضوعی که در سراسر دیوان او بازتاب بیشتری دارد، اندیشه‌های اسلامی و آیات و روایات قرآن است که نشان از تربیت دینی و اعتقاد راسخ او به پروردگار و مبانی و اصول شریعت اسلام دارد. وی در سراسر دیوانش به مفاهیم والای قرآنی و اعتقادات دینی توجه خاصی داشته است و از آنها تأثیر پذیرفته و اخذ و اقتباس کرده است. این اقتباس به چند گونه صورت گرفته است؛ در برخی ابیات کل آیه و گاهی نیز بخش اعظم آیه و یا بخش کوچکی از آن اقتباس شده است و شاعر منظور و غرض خود را با آن توضیح داده و شعرش را غنا بخشیده است. همچنین وی در برخی از ابیات با آوردن یک واژه یا اصطلاح قرآنی به یک یا چند آیه و داستان‌ها و روایات آن‌ها تلمیح و اشاره کرده است. گاهی نیز بدون آوردن آیه یا واژگان قرآنی کاملاً با زبان کُردی به آیات قرآنی یا سرگذشت پیامبران الهی و شخصیت‌های قرآنی اشاره و تلمیح کرده است که در واقع ترجمه‌ی آیات قرآنی به زبان شعری (کُردی) هستند.

تأثیرپذیری دیگر شاعر از قرآن آوردن نام پیامبران الهی و شخصیت‌های قرآنی است که در چهارده مورد نمود می‌یابد که گاهی با آوردن بخشی از آیات قرآن به سرگذشت و



[ Downloaded from journals.hcac.ir on 2024-04-29 ]
[ DOI: 1052547/koran.7.2.105 ]

روایات مربوط به آن‌ها اشاره می‌کند یا این که بدون آوردن واژگان قرآنی به آن‌ها اشاره می‌کند. در این‌جا نخست موارد اقتباس شاعر را از آیات قرآن و شیوهای آن نشان می‌دهیم و سپس تلمیحاتی که به آیات قرآن در شعرش آمده را مورد بررسی قرار می‌دهیم و در پایان چگونگی بازتاب شخصیت‌های قرآنی را در اشعارش بیان می‌کنیم.

## ۲.۱. اقتباس از آیات قرآن

اقتباس، از ریشه «قبس» به معنای پاره آتش است. در فن بدیع عبارت است از آوردن آیه‌ای از قرآن یا حدیثی از رسول اکرم(ص) یا امامان معصومان(ع) یا بیت معروفی که به قصد سرقت و انتحال نه، بلکه به قصد اقتباس باشد (قزوینی، ۱۹۸۵: ۲۳۴-۲۳۶؛ حلبی، ۱۳۷۹: ۶۸؛ راشد محصل، ۱۳۸۰: ۱۹؛ و جارم و امین، ۱۴۱۳ هـ. ق: ۴۳۱)

در ذیل به ابیاتی اشاره شده که شاعر در آن‌ها آیه یا آیاتی را اقتباس نموده و در شعرش به کار برده است.

### ۲.۱.۱. لا اکراه فی الدین

دلریش، در این بیت به کسانی که در دین دچار گمراهی شده‌اند، تذکر می‌دهد که در پذیرش دین هیچ گونه اجباری نیست. وی در این بیت آیه‌ی ۲۵۶ سوره‌ی بقره را اقتباس نموده است که خداوند انسان را در پذیرش دین مختار می‌داند:

پەس مەنای چەسە «لااکراه فی الدین»
لە رەحم خالق قەطەن ئاگاە نین
(ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۱۶)

ترجمه: پس معنای لا اکراه فی الدین چیست؟ بی‌گمان از رحمت خداوند آگاه نیستند.

«لاإِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (البقرة: ۲۵۶) کار دین به اجبار نیست، تحقیقاً راه هدایت و ضلالت بر همه کس روشن گردیده است[1].

### ۲.۱.۲. ویل لکل همزة لمزة

شاعر به کسانی که بدزبان هستند و از دیگران عیب‌جویی می‌کنند هشدار می‌دهد که در آخرت تاوان کار خود را خواهند داد. او در این بیت، آیهٔ ۱ سورهٔ همزه را اقتباس نموده است:

زوانت لال بوود روژت بوود وە لەیل ئەوسا کەفیدە یادە سورە ویل
(ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۱۸)

ترجمه: زبانت لال و روزت همچون شب سیاه و تاریک می‌شود. آن هنگام که به یاد سوره ویل لکل همزة لمزة می‌افتی.
۱-زوان: زبان. ۲-ئەوسا: آن هنگام. ۳-کەفید: می‌افتی.

وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ (الهمزة: ۱) وای بر هر عیب جوی هرزه‌زبان و طعنه‌زننده.

### ۲.۱.۳. لاتقنطوا من رحمة الله[2]

دلریش ماهیدشتی چنین می‌گوید: انسان هیچ‌گاه نباید امیدش را از دست بدهد، بلکه باید به رحمت الهی امید داشته



[ Downloaded from journals.hcac.ir on 2024-04-29 ]
[ DOI: 1052547/koran.7.2.105 ]

باشد. وی در این بیت آیه‌ی ۵۳ سوره زمر را اقتباس کرده است:

لاتقنطوا[۳] من رحمت الله
نائمید نییم له دەرگاد الله
(ماهیدشتی،۸۲: ۱۳۸۷)

ترجمه: از رحمت خدا ناامید نشوید. پروردگارا، من از درگاه تو ناامید نیستم.

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ (الزمر: ۵۳): (ای رسول رحمت) بدان بندگانم که (به عصیان) اسراف بر نفس خود کردند بگو: هرگز از رحمت خدا نامید مباشید.

## ۲.۱.۴. قُلنَا یا نَارُ کونی بَرداً

وی با مهارتی تمام حتی در معانی تغزلی خود از قرآن تأثیر پذیرفته و آتش شوق معشوقه‌اش را به آتشی که نمرود برای حضرت ابراهیم بر افروخته بود، تشبیه کرده است. بنابراین، در این بیت، آیهٔ ۶۹ سورهٔ انبیاء را اقتباس کرده است:

«قل یا نار کون برداً» بەرد بووی
شوله نار دل مەیلد سەرد بووی[۴]
(ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۸۶)

ترجمه: ای آتش خاموش و سرد شو، بعد از این آتش فرو نشست و آتش دل و اشتیاق تو هم رو به سردی و خاموشی نهاد.

شاعر در این‌جا به وضعیت مردمانی که در زمان جنگ تحمیلی دچار حمله‌ی شیمیایی دشمن شده‌اند اشاره دارد و آتش جنگ تحمیلی را آتش نمرود می‌داند و می‌گوید: این مردمان بی‌دفاع به چه کسی جز خدا پناه ببرند، همان کاری که حضرت ابراهیم به هنگام افتادن در آتش کرد:

«قل یا نار کون برداً» له کووەن
چوی خلیل پەناه وه کام کەس بووەن
(ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۲۴۴)

ترجمه: خداوند کجاست تا همان‌طور که به آتش ابراهیم فرمان داد تا بر وی سرد و بی‌گزند باشد، به این آتش (بمب شیمیایی) هم همان فرمان را بدهد. این مردمان بی‌پناه همچون حضرت ابراهیم، به چه کسی جز پروردگار پناه ببرند؟

قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ (أنبياء: ۶۹): ما خطاب کردیم که ای آتش سرد و سالم برای ابراهیم باش.

## ۲.۱.۵. جاء الحق و ذهق الباطل

دلریش، در این بیت، ممدوح خویش (امام خمینی (ره)) را مدح می‌کند و ورود ایشان به میهن را زمینه‌ساز برپایی حق و نابودی باطل می‌داند و به آیهٔ ۸۱ سورهٔ اسراء اشاره می‌کند و عبارت جاء الحق و ذهق الباطل را اقتباس و در شعرش به کار می‌برد:

فەراری دیو بەد سەیر و «جاء الحق و جاء الحق ذهق الباطل ذهق الباطل» بچو ئی خەسم بیگانه
(ماهیدشتی، ۱۱۸: ۱۳۷۸)

ترجمه: دیو بد ذات و شوم (شاه) فرار کرد حق آمد و حق آمد. باطل نابود شد، پس تو ای (شاه) دشمن اجنبی برو. بچو: برو.



[ Downloaded from journals.hcac.ir on 2024-04-29 ]
[ DOI: 1052547/koran.7.2.105 ]

وَ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (الإسراء: ۸۱) به (امت) بگو دین حق آمد و باطل نابود شد، که باطل خود لایق محو و نابودی ابدی است.

ایمان آن‌ها را به راه سعادت رهبری کند تا به نعمت‌های ابدی بهشتی که نهرها از زیر درختانش جاری است، متنعم گردند.

### ۲.۱.۶. تجری من تحتها الأنهار[۵]

شاعر، عبارت جنات تجری من تحتها الأنهار در آیات ۸۹ سورهٔ توبه و ۹ سورهٔ یونس را اقتباس کرده و به بخشش نعمت‌های الهی در بهشت اشاره نموده است:

فی عینی تجری تحت الانهار
جواو نامه‌ی هدهد ئرام بارِ[۶]
(ماهیدشتی، ۱۶۴: ۱۳۷۸)

ترجمه: در چشمانم همان جاری است که در پای درختان جاری است، پاسخ نامه هدهد را برایم بیاور.

در مصرع نخست کلمات پس و پیش شده که ترجمه آن را با مشکل مواجه می‌سازد که احتمالاً یا به علت چاپ نادرست یا اشتباه ناشر این تغییر به وجود آمده است، ولی با این وجود نشان می‌دهد که شاعر با این سوره آشنایی دارد.

«أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا ذَلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ» (التوبة: ۸۹) خدا برای آنها باغ‌هایی که در زیر درختانش نهرها جاری است مهیا فرموده که در آن تا ابد متنعّم باشند و این به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگ است.

«إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ یَهْدِیهِمْ رَبُّهُمْ بِإِیمَانِهِمْ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِی جَنَّاتِ النَّعِیمِ» (یونس: ۹) آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند پروردگارشان به سبب همان

### ۲.۱.۷. لاتکتموا

در این بیت دلریش به تلاش فراوان سازمان جهاد سازندگی در دوره‌ی جنگ تحمیلی و پس از آن اشاره می‌کند و از دیگران می‌خواهد که واقعیت را پوشیده ندارند و حقیقت امر و کوشش خالصانه‌ی جهادگران را به همه بگویند. وی به آیهٔ ۲۸۲ سورهٔ بقره اشاره کرده و عبارت لاتکتموا را در شعرش به کار برده است:

«و لاتکتموا » قُل وه‌که‌لمه‌ی حق
جه‌هاد ئیران ته‌مام دا ره‌ونق
(ماهیدشتی، ۱۷۸: ۱۳۷۸)

ترجمه: هیچ چیز را از (خدا) پنهان نکنید یا سخن راست و حق بگویید که جهاد و تلاش سراسر ایران را آباد و پر رونق کرده است.

«وَ لَاتَکْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَ مَنْ یَکْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِیمٌ» (البقرة: ۲۸۲) و کتمان شهادت ننمایید که هر کس کتمان کند، البته به دل گناهکار است و خدا از همه کار شما آگاه است.

### ۲.۱.۸. هل جزاء احسان الا الاحسان

وی بر این باور است که انسان مکافات عمل خویش را می‌بیند. بنابراین، هر کس کار نیکی کند پاداش نیک آن را خواهد



[ Downloaded from journals.hcac.ir on 2024-04-29 ]
[ DOI: 1052547/koran.7.2.105 ]

گرفت. شاعر در این بیت آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی الرحمن را اقتباس کرده است:

«هل جزای احسان الا احسانن»
پەنای گُنام خودای سباحنن
(ماهیدشتی، ۱۴۳: ۱۳۷۸)

ترجمه: آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟ همانا پناه من از گناه خداوند سبحان است.

«هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (الرحمن: ۶۰) آیا پاداش نیکویی جز نکویی است.

### ۲.۱.۹. اقیموا الوزن

شاعر در این‌جا ارادت و علاقه‌ی خود را نسبت به قرآن مجید ابراز می‌دارد و به قداست سوره‌ی الرحمن سوگند یاد می‌کند و آن را اقتباس می‌کند و عبارت اقیموا الوزن را در شعرش به کار می‌برد:

«وه اقیموا الوزن» سورەی الرحمن
وه موسی کلیم لفظ خالق زان
(ماهیدشتی، ۱۳۵: ۱۳۷۸)

ترجمه: سوگند به اقیموا الوزن سوره‌ی الرحمن و سوگند به موسای کلیم که سخنان پروردگار (وحی) را می‌فهمد و درک می‌کند.

«وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» (الرحمن: ۹) و هر چیز را به ترازوی عدل و انصاف بسنجید و هیچ در میزان (عدل و احکام شرع من) نافرمانی نکنید.

### ۲.۱.۱۰. اقرأ باسم ربک

وی معتقد است که آیات قرآن از اوّل تا آخر دارای نظم و قاعده‌ی خاص خود هستند. وی در این‌جا عبارت إقرأ باسم ربک مربوط به سوره‌ی علق را اقتباس کرده است:

وه «اقرا باسمه» تا وه مائده
آیات مجید کل وه قائده
(ماهیدشتی، ۱۳۵: ۱۳۷۸)

ترجمه: از سوره (علق) «اقرا به اسم ربک» تا سوره‌ی مائده آیات قرآن مجید همه با نظم و قاعده است.

«اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (علق: ۱) بخوان به نام پروردگارت که خدای آفریننده‌ی عالم است.

### ۲.۱.۱۱. اذا جاء نصر الله و الفتح

شاعر پروردگار را امیدبخش هر کسی می‌داند و با اشاره به آیهٔ ۱ سورهٔ النصر می‌گوید: که تنها خداست که امید رسیدن به هدفش را تحقق می‌بخشد و عبارت إذا جاء نصر الله فتح قریب را اقتباس و در شعرش به کار برده است:

وه سورەی «اذا جاء نصرالله»
فتح قەریب کەر پەری عبدالله
(ماهیدشتی، ۱۴۱: ۱۳۷۸)

ترجمه: سوگند به سورهٔ نصر که گشایشی همچون فتح قریب برای عبدالله [شاعر] بیاور. ۱-پەری: برای.

«إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» (النصر: ۱) چون هنگام فتح و فیروزی با یاری خدا فرا رسد.



[ Downloaded from journals.hcac.ir on 2024-04-26 ]
[ DOI: 1052547/koran.7.2.105 ]

### ۲.۱.۱۲. الق عصاک لاتخف

در این بیت شاعر به ستایش ممدوح خود (امام خمینی(ره)) می‌پردازد و به داستان مبارزه‌ی حضرت موسی با ساحران فرعون و تبدیل شدن عصای وی به مار بزرگ اشاره می‌کند و عبارت (الق عصاک لاتخف) را از آیهٔ ۱۱۷ سورهٔ اعراف اقتباس کرده است:

بی‌باک وه «الق عصاک لاتخف[۷]»
دُرّ بی پایان تاج «من عرف»
(ماهیدشتی، ۱۸۷: ۱۳۷۸)

ترجمه: همچون موسی بدون ترس عصایت را بینداز، تو ای مروارید بی‌پایان تاج خودشناسی و خداشناسی هستی.

«وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ» (الأعراف: ۱۱۷) و ما به موسی وحی نمودیم که عصای خود را بیفکن (چون عصا انداخت) ناگاه معجزه‌ی او هر چه ساحران بافته بودند یک‌باره همه را بلعید.

### ۲.۱.۱۳. قادر علی کل شیء

دلریش، خدای متعال را بر انجام هر کاری توانا می‌داند و خواهان کمک و یاری پروردگار است. وی عبارت قادر علی کل شیء را از آیهٔ ۲۸۴ سورهٔ بقره اقتباس نموده است:

«قادر کل شیء» شافع کله دەرد
برەس وه هانای عبد بەرده البرد
(ماهیدشتی، ۱۴۶: ۱۳۷۸)

ترجمه: ای پروردگار متعال که بر انجام هر کاری توانایی و التیام‌دهنده و درمان‌کننده‌ی هر دردی هستی به داد این بنده‌ات برس که آماج مصیت‌هاست. ۱-هانا: آه و حسرت. ۲-بەرد: هم به معنایی سنگ، و هم به معنای مصیبت و بلا.

«وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (البقرة: ۲۸٤) و خدا بر هر چیزی تواناست.

## ۲.۲. تلمیح به آیات قرآن

تلمیح، گوشه‌ی چشم اشاره کردن است و در اصطلاح بدیع آن است که گوینده در ضمن کلام به داستانی یا مثلی یا آیه و حدیثی معروف اشاره کند و عین آن را نیاورد. (تفتازانی، ۱۴۰۹ هـ. ق: ۴۷۵؛ جرجانی، ۱۹۳۸: ۲۹۰؛ و الهاشمی، :۱۳۷۶ ۴۱۴)

شاعر در برخی از ابیات خود بخشی از یک آیه را می‌آورد و به مضمون آن آیه و داستان‌ها و روایات آن تلمیح و اشاره می‌کند:

### ۲.۲.۱. ریح صرصر

شاعر گذر سریع عمر و سرگشتگی خود را همچون تندبادی می‌داند که می‌آید و همه چیز را با خود می‌برد. عبارت ریح صرصر در این بیت تلمیحی به آیات ۱۹ سورهٔ قمر و ٦ سورهٔ الحاقة است:

مەس بوویم نەزانم کام شاه بوین کەی
جهان وینەی باد صرصر بوین وه ری
(ماهیدشتی، ۸۵: ۱۳۷۸)



[ Downloaded from journals.hcac.ir on 2024-04-26 ]
[ DOI: 1052547/koran.7.2.105 ]

ترجمه: مست شدم و نفهمیدم که کدام پادشاه «کی» (لقب پادشاهان) بود، دنیا مانند باد صرصر شد و به راه افتاد. (بیون وه ری: به راه افتاد، روانه شد.)

«إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ» (القمر: ۱۹) ما بر هلاک آن‌ها تندبادی در روز نحسی پایدار فرستادیم.

«وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ» (الحاقة: ٦): قوم عاد نیز به بادی تند و سرکش به هلاکت رسیدند.

## ۲.۲.۲. عسر یسری

عبارت عسر یسری تلمیحی به آیات ۷ سورهٔ طلاق و ۵ و۶ سورهٔ الشرح است. شاعر بر این باور است که پس از هر سختی آسانی به وجود می‌آید و همیشه گشایشی در کار انسان پیش می‌آید:

بەده هەر «عسری، یسری» پەیدا بوو
لە ئشق خالق دلریش پەیدا بوو
(ماهیدشتی، ۱۴۴: ۱۳۷۸)

ترجمه: بعد از هر سختی آسانی پدیدار می‌شود، دلریش از عشق خداوند شیدا می‌شود. پەیدا بوو: پیدا می‌شود.

«لَايُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» (الطلاق: ۷) خدا هیچ‌کس را جز به مقدار آنچه (توانایی) داده تکلیف نمی‌کند و خدا به زودی بعد از هر سختی آسانی قرار خواهد دهد.

«فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (الشرح: ۶-۵) پس بدان (به لطف خدا) با هر سختی البته آسانی هست.

## ۲.۲.۳. ید بیضاء

دلریش، در اشعار خویش بسیار به سیره و روش زندگی حضرت موسی و حوادثی که برای ایشان اتفاق افتاده اشاره و در مواردی زیادی از عبارت قرآنی«ید بیضاء» استفاده کرده است. در این بیت نیز این عبارت به آیات ۱۰۸ سوره‌ی اعراف و سوره‌ی نمل تلمیح دارد:

چوی «ید بیضا» ضد جادو بوو
دەس چەپ بەسەی سات رادو بوو
(ماهیدشتی، ۶۵: ۱۳۷۸)

ترجمه: دستش (معشوق) همچون ید بیضا باطل‌کننده‌ی سحر و جادوی جادوگران بود و بر دست چپش ساعت رادو (نوعی ساعت) بسته بود.

«وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ» (الأعراف: ۱۰۸) و دست از گریبان خود برآورد که ناگاه برای بینندگان سپید و درخشان جلوه کرد.

««وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَى فِرْعَوْنَ وَ قَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (النمل: ۱۲) و دست در گریبان خود ببر نه از مرض (برص، بلکه از نظر لطف خدا) سپید و روشن (چون ماه تابان) گردد، آنگاه با نُه معجزه الهی به سوی فرعون و قومش که گروهی فاسق و نابکارند به رسالت روانه شو.

## ۲.۲.۴. لن‌ترانی

حضرت موسی از زبان قومش درخواست دیدن پروردگار را کرد، زیرا جمعی از جاهلان بنی‌اسرائیل اصرار داشتند که باید خداوند را ببینند تا ایمان آورند. بنابراین، از جانب خدا



[ Downloaded from journals.hcac.ir on 2024-04-29 ]
[ DOI: 1052547/koran.7.2.105 ]

مأموریت یافت این تقاضا را مطرح کند تا همگان پاسخ کافی بشنوند. (بغوی، ۱۴۲۰: ۲/ ۴۵۰) شاعر در این بیت از حالتی که بر حضرت موسی به هنگام دیدن نور الهی عارض شده است، الهام می‌گیرد و سرگشتگی و شوریدگی خود را همچون حالتی می‌داند که برای حضرت موسی به هنگام دیدن تجلی نور حق تعالی روی داد. این بیت، به آیهٔ ۱۴۳ سورهٔ اعراف تلمیح دارد. شاعر عبارت «لن‌ترانی» را در شعرش به کار برده است:

موسی کوویه طورم له وادیه تەمنا
مەجروح «لن‌ترانی» چون ویم هزار دیرم
(ماهیدشتی، ۹۹: ۱۳۷۸)

ترجمه: همچون موسی در وادی تمنا و کوه طورم که به پاسخ لن‌ترانی مجروح گشته‌ام هزاران نفر دیگر همچون خویش مجروح دارم.

«وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَكِنِ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا» (الأعراف: ۱۴۳) و چون (قوم تقاضای دیدن خدا کردند) موسی (با هفتاد نفر بزرگان قومش که انتخاب شده بودند) وقت معین به وعده‌گاه ما آمد و خدایش با وی سخن گفت، موسی (به تقاضای جاهلانه قوم خود) عرض کرد که خدایا خود را به من آشکار بنما که جمال تو را مشاهده کنم. خداوند در پاسخ او فرمود که مرا تا ابد نخواهی دید و لیکن به کوه بنگر، اگر کوه طور (بدان صلابت، هنگام تجلی) به جای خود برقرار ماند تو نیز مرا خواهی دید. پس آنگاه که تجلی خدایش بر کوه تابش کرد کوه را متلاشی ساخت و موسی بی‌هوش افتاد.

### ۲.۲.۵. همراهی و حمایت هارون از موسی (ع)

در این بیت، شاعر به آیات ۲۹ تا ۳۲ سورهٔ طه تلمیح دارد و به انتخاب شدن هارون به عنوان پشتیبان و همکار حضرت موسی از سوی خدا اشاره دارد:

موسی وه هارون کەردی وه شەریک
لەو موجزاته فرعون مەن خەریک
(ماهیدشتی، ۱۴۴: ۱۳۷۸)

ترجمه: پروردگارا، هارون را شریک و همراه موسی در امر هدایت کردی و فرعون با آن معجزات پریشان شد. خەریک: سرگشته.

وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي * هَارُونَ أَخِي * اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي * وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي (طه: ۳۲-۲۹) و نیز از اهل بیت من یکی را وزیر و معاون من فرما. برادرم هارون را (وزیر من گردان). پشت مرا به او محکم کن. و او را در امر (رسالت) با من شریک ساز.

### ۲.۲.۶. نظم جهان آفرینش

دلریش، در این بیت به قدرت خداوند در نظم جهان اشاره می‌کند و می‌گوید: کوه‌ها مایه‌ی قوام و استحکام زمین هستند. این بیت تلمیح به آیهٔ ۶۱ سورهٔ نمل است:

وه ئەمرد مەکەن بەحران جەزر و مەد
کوهان ثابتن وه دەستوره خوەد
(ماهیدشتی، ۱۴۵: ۱۳۷۸)

ترجمه: (پروردگارا) به دستور تو دریاها جزر و مد را انجام می‌دهند و کوه‌ها ثابت می‌مانند.



[ Downloaded from journals.hcac.ir on 2024-04-29 ]
[ DOI: 1052547/koran.7.2.105 ]

«أَمْ مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَ جَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَئِلَهٌ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (النمل: ۶۱) یا آن کس که زمین را آرامگاه (شما) قرار داد و در آن نهرهای آب جاری و در آن کوه‌ها برافراشت و میان دو دریا (به قطعه‌ای از زمین) حایل گردانید (یا دو دریای شور و شیرین را بی‌فاصله، منع از اختلاط آب آن‌ها کرد).

## ۲.۳. بازتاب شخصیت‌های قرآنی

یکی دیگر از وجوه تأثیرپذیری دلریش از قرآن، توجه وی به پیامبران الهی و شخصیت‌های قرآنی و سیره‌ی زندگی و حوادثی است که برای آن‌ها اتفاق افتاده است. شاعر در این بخش یا اسم شخصیت قرآنی را می‌آورد و اتفاقات مربوط به آن را در شعر خویش شرح می‌دهد و یا با آوردن واژه و یا کلمات ترکیبی قرآنی و غیرقرآنی به این شخصیت‌ها اشاره کرده و به توضیح شیوه‌ی زندگی آن‌ها می‌پردازد و در واقع آیات قرآنی را که به داستان این شخصیت‌ها اشاره داشته است، بیان می‌کند که ما در این‌جا در برخی موارد آن آیات را آورده و با ابیات شاعر مقایسه کرده‌ایم و وجوه تأثیرپذیری و تلمیح شاعر به این آیات را نشان می‌دهیم. این شخصیت‌های قرآنی عبارت‌اند از:

### ۲.۳.۱. آدم

آدم در قرآن و کتاب مقدس، نخستین بشری است که خدا آفرید. (مصاحب، ۱۳۴۵: ذیل آدم) آنگاه که آدم و حوا از دستور خدا سرپیچی کردند، خدا نعمت خویش را از آنان گرفت و بهشت را بر آنان تحریم کرد. در سوره‌ی اعراف به داستان آدم و حوا اشاره شده است. (جاد الموالی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۵) دلریش، به آدم و حوا در این بیت اشاره کرده است:

قەسەم وە بەهەیشت وە جنت الماوا
وە ابوالبەشەر وە ننە حەوا
(ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۱۳۵)

ترجمه: سوگند به بهشت، و آدم و ننه حوا.

### ۲.۳.۲. حضرت نوح (ع)

اولین پیغمبر اولوالعزم است که حدود ۱۰۰۰ سال عمر کرده است و ۹۵۰ سال در میان قوم خود به تبلیغ و ارشاد مردم پرداخته است. نام نوح (ع)، ۴۳ بار در قرآن آمده است (نیشابوری، ۱۳۸۵: ۷۳-۷۹) وی به اذن خدا شروع به ساختن کشتی نمود و در آن از هر حیوانی یک جفت به آن پناه داد. کشتی نوح مثلی برای نجات و رستگاری است، همان‌طور که پیامبر اهل بیت خویش را سفینه‌ی نوح می‌خواند. إنَّ عِترَتِی کَسَفِینَةِ نُوحٍ مَن رَکِبَ فِیهَا نَجَا وَ مَن تَأخَرَ عَنهَا هَلَکَ.» (ثعالبی، ۱۹۶۵: ۳۹)

دلریش، در این بیت ممدوح خویش (امام خمینی(ه)) را کشتی نجات امت و رهبر هدایت‌گر آن‌ها می‌داند:

کەیشتی ری نەجات نوح زەمانە
نازکیش فەقیر دوس و بیگانە
(ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۱۸۸)

ترجمه: کشتی راه نجات و نوح زمانه است و فقیرنواز است چه دوست و چه بیگانه.

وی به سرگذشت و پیشینه‌ی زندگی حضرت نوح و داستان کشتی او در دریا اشاره می‌کند:



[ Downloaded from journals.hcac.ir on 2024-04-29 ]
[ DOI: 1052547/koran.7.2.105 ]

یا نوح له توفان ئەمواج یەم بوی
درستن هەر کام ئەولای ئایەم بوی
(ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۱۴۰)

ترجمه: سرگذشت پیامبران متفاوت است، نوح در امواج دریا بود، درست است که آن‌ها (پیامبران) همه فرزند آدم هستند.

این ابیات اشاره به داستان حضرت نوح دارد که در آیات ۲۶ و ۲۷ سورهٔ مؤمنون و آیات ۱۱۸ و ۱۱۹ سورهٔ شعراء آمده است: «وَ قَالَ رَبِّ انْصُرْنِی بِمَا كَذَّبُونِ* فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنِ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبْنِی فِی الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ» (المؤمنون: ۲۷-۲۶) نوح عرض کرد: خدایا، تو مرا بر اینان که تکذیب من کردند یاری فرما. ما هم به او وحی کردیم در حضور ما و به وحی ما و دستور ما به ساختن کشتی پرداز، تا آنگاه که فرمان (طوفان از جانب) ما آمد و آب از تنور فوران کرد پس در آن کشتی با خود از هر نو جفتی همراه بر و اهل بیت خود را هم جز آن کس که در علم ازلی ما هلاک او گذشته (یعنی زن و فرزند نا اهلت را) تمام به کشتی بنشان و به شفاعت ستمکاران با من سخن مگو که البته آنها باید غرق شوند.

«فَافْتَحْ بَيْنِی وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِی وَمَنْ مَعِیَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ* فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِی الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ» (الشعراء: ۱۱۹-۱۱۸) پروردگارا، پس بین من و آن‌ها حکم فرما و به ما گشایشی عطا کن و مؤمنانی که با من همراهند از شر قوم نجات ده. ما هم او را با همه‌ی آنان که در آن کشتی انبوه در آمدند به ساحل سلامت رساندیم.

### ۲.۳.۳. حضرت داوود

یکی از پیامبران بنی‌اسرائیل است که نامش ۱۶ بار در قرآن آمده است و کتاب زبور از اوست، وی با کشتن جالوت به اذن خدا پادشاه شد. (نیشابوری، ۱۳۸۵: ۳۹-۴۰) وی وقتی زبور را می‌خواند پرندگان و وحوش دورش را می‌گرفتند و به او گوش می‌دادند. (ثعالبی، ۱۹۶۵: ۵۵-۵۶)

ئەی سلیمان هشمەت وە ئەی اسم ئەزەم لە نگین
لەحنە داودت سەد هەزاران ئەندەلیب نا پشت سەر
(ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۱۸۴)

ترجمه: ای کسی که همچون سلیمان بزرگی و اسم اعظم بر نگین انگشتر داری. صدای داوودی تو از هزاران عندلیب پیشی گرفت.

این بیت، به آیهٔ ۷۹ سورهٔ انبیاء اشاره دارد که در آن در زیبایی صدای حضرت داوود ذکر شده است.

«وَ سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ» (الأنبياء: ۷۹) و کوه‌ها و مرغان را مسخّر داود گرداندیم که با (آهنگ تسبیح و نغمه) او تسبیح می‌کردند و ما این معجزات را پدید آوردیم.

### ۲.۳.۴. حضرت سلیمان

یکی از انبیای بنی‌اسرائیل و پسر حضرت داوود است. بیش از ۵۰ سال زندگی کرد. وی در حالی که به عصای خود تکیه داده بود وفات یافت. نام سلیمان ۱۷ بار در قرآن ذکر شده است (حریری، ۱۳۸۴: ۱۸۰؛ و نیشابوری، ۱۳۸۵: ۴۴۴-۴۴۵).



[ Downloaded from journals.hcac.ir on 2022-04-29 ]

[ DOI: 1052547/koran.7.2.105 ]

علاوه بر بیت پیشین شاعر، در این بیت نیز به برتری و تسلط حضرت سلیمان بر انس و جن و حیوانات اشاره دارد که آن را از آیات ۱۵ تا ۱۷ سورهٔ نمل اقتباس کرده است:

حکم انس و جن، نگین ئەظەم
وە سلیمان دایە رسل منظم
(ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۱۳۹)

ترجمه: پروردگارا، حکم هدایت و تسلط بر انسان و جن و نگین ارزشمند را به سلیمان دادی.

این ابیات اشاره به آیات ۱۵ تا ۱۷ سورهٔ نمل دارد:

«وَ لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ* وَ وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ* وَ حُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ» (النمل: ۱۷-۱۵) و سلیمان وارث ملک داوود شد و گفت: ای مردم ما را زبان مرغ آموختند و از هرگونه نعمت عطا کردند، این همان فضل و بخشش آشکار است و سپاهیان سلیمان از گروه جن و انس و مرغان در رکابش گرد آورده شدند.

## ۲.۳.۵. بلقیس

بلقیس، دختر «ذی‌شرح» پادشاه سرزمین سبأ که بعد از پدرش پادشاه شد. عده‌ای بر این باورند که مادر وی از جن و پدرش انسان است. وی تخت بزرگی داشت که با زمرد و جواهرات آراسته شده بود. بلقیس، به وسیله‌ی سلیمان بن داود به خدا ایمان ایمان آورد و با او ازدواج کرد (آبی، ۲۰۰۴: ۶/ ۲۸۴؛ و قلقشندی، ۱۹۸۷: ۲/ ۸۹؛ ابشیهی، ۱۹۸۶: ۲/ ۲۷۱؛ وجاحظ، بی‌تا: ۲۶ البغال).

تاج سەر رەنگین صەبای بەشارەت
بەرید بلقیس ری وە ئەمارت
(ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۱۶۳)

ترجمه: (ای هدهد) تاج سرت زیباست و صبای بشارت هستی و پیک بلقیس که راه به دربار دارد. ۱-رەنگین: در کردی یعنی زیبا.

سوبەت کەر وە گەردە بلقیس کەفار
جواو نامه هدهد ئرام بار
(ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۱۶۳)

ترجمه: ای کسی که با بلقیس کافر صحبت کردی جواب نامه‌ی هدهد را برایم بیاور.

ئەرام بار: برایم بیاور.

این ابیات به داستان خبر رساندن هدهد از سرزمین کفر به سلیمان اشاره دارد. در این سرزمین مردم خورشید را می‌پرستیدند و حاکم آن‌ها زنی به نام «بلقیس» بود که سلیمان آنرا به پرستش خدای یگانه فراخواند، در آغاز نپذیرفت ولی پس از شنیدن سخنان و برهان‌های سلیمان به پرستش خداوند روی آورد. آیات ۲۰ تا ۴۴ سورهٔ نمل به این روایت اشاره کرده است.

## ۲.۳.۶. حضرت یونس

حضرت یونس یکی از پیامبرانی است که نام وی در قرآن کریم چهار بار آمده‌است. وی بعد از حضرت موسی و هارون(ع) زندگی می‌کرد و مردم را به توحید دعوت می‌کرد. وی در شهر نینوا در اوج بت پرستی به دنیا آمد. او به هدایت مردم پرداخت، ولی مردم نپذیرفتند و او نیز خشمگین شد و از



[ Downloaded from journals.hcac.ir on 2024-04-29 ]
[ DOI: 1052547/koran.7.2.105 ]

نینوا رفت و سوار بر کشتی شد، ولی نهنگی او را بلعید و در آنجا زندانی شد و پس از تضرع، پروردگار او را نجات داد. (جاد الموالی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۸۱-۳۸۶)

شاعر در این بیت به حبس شدن یونس در شکم نهنگ اشاره می‌کند:

یا یونس له حەبس بەتن ماسی بوی
یاگەر اسکندر شاد وە شاهی بوی
(ماهیدشتی، ۱۴۰: ۱۳۷۸)

ترجمه: یا اینکه مثل حضرت یونس در شکم ماهی زندانی باشی. یا همچون اسکندر شاد و مست پادشاهی باشی. ماسی: ماهی

این بیت به آیه ۴۸ سورهٔ قلم و ۸۷ انبیاء اشاره دارد که در آن داستان حضرت یونس آمده است.

«فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَ لَاتَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ» (القلم: ۴۸) باز تو برای حکم خدای خود صبر کن و مانند صاحب ماهی (یونس که از خشم در عذاب امت تعجیل کرد) مباش (که عاقبت پشیمان شد و در ظلمت زندان شکم ماهی افتاد و) به حال اندوه خدا را برای نجات خواند.

«وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» (الأنبياء: ۸۷) و (یاد آر حال) ذوالنون (یونس) را هنگامی که (از میان قوم خود) غضبناک بیرون رفت و چنین پنداشت که ما هرگز او را در مضیقه و سختی نمی‌افکنیم (تا آنکه به ظلمات دریا و شکم ماهی در شب تار گرفتار شد) آن‌گاه در آن ظلمت‌ها فریاد کرد که خدایی به جز ذات یکتای تو نیست تو از شریک پاک و منزهی و من از ستمکارانم.

## ۲.۳.۷. حضرت ایوب

حضرت ایوب یکی از پیامبران الهی است که خداوند وی را با مصیبت و سختی و بیماری آزمود که هجده سال طول کشید و وی صبر و شکیبایی پیشه کرد و شیطان به خاطر صبر زیاد او فریاد برآورد و خشمگین شد (صفوری، ۲۰۰۱: ۲/ ۸۲). نام ایشان در قرآن ۴ بار آمده است.

دلریش، در این ابیات به صبر و شکیبایی زیاد ایوب اشاره می‌کند:

ئەر ئایەم مەطرود لە حور العین بوی
یا ایوب صەوری زیاد وەزین بوی
یا عیسای مەریەم گیر یەهود بوی
صەلیب ئاویزان منارۀ وجود بوی
خالق ئوانە خەلق کردی لە نور
کل متوکل صالح و صبور
ئیمە کەم تاقەت لە تراب ساختە
لە اتفاقات چەرەی ویش باختە
(ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۱۴۰)

ترجمه: اگر آدم (به واسطه‌ی ترک اولی) از سوی حورالعین بهشتی طرد شد و یا این که صبر حضرت ایّوب بسیار زیاد بود سنگین بود. یا عیسی فرزند مریم در بند یهودیان افتاد و بر صلیب آویزان بود. آفریدگار آنها را از نور آفریده است و همه‌ی توکل کننده بر خدا و نیکوکار و صبورند. ما که از خاک خلق شده‌ایم، بی‌طاقت هستیم و با حوادث و اتفاقات روحیه‌ی خود را از دست داده و آثار شکست در صورت‌مان می‌شود. ۱- بوی: بود. ۲- ئوانه: آن‌ها. ۳- ئیمه: ما. ۴- ویش: خودش.



[ Downloaded from journals.hcac.ir on 2024-04-26 ]
[ DOI: 1052547/koran.7.2.105 ]

## ۲.۳.۸. حضرت ابراهیم (ع)

ابراهیم (ع) از پیامبران اولوالعزم و از قوم بنی اسرائیل بود. وی ۱۷۵ سال عمر کرد و با کمک اسماعیل (ع) کعبه را بنا نهاد. (تهامی، ۱۳۸۶: ذیل ابراهیم) داستان حضرت ابراهیم بارها در آیات قرآن ذکر شده و نام ایشان ۶۹ بار در ۲۵ سوره آمده است و یک سوره (چهاردهمین سوره) قرآن به نام ایشان است (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹: ۸۳) دلریش، در اشعار خویش بارها به زندگی و سیرهٔ حضرت ابراهیم و مبارزه‌اش با نمرود اشاره و حالت و وضعیت خود را به حالت حضرت ابراهیم در آتش برافروختهٔ نمرود تشبیه کرده است:

خلیل وار وه نار شولەی مەنجەنیق
بی مەدد کارم پەی اطفای حەریق
(ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۸۶)

ترجمه: همچون حضرت ابراهیم در میان شعله آتش و منجنیق هستم و بدون یار و حامی برای خاموش کردن آتشم.

در جای دیگر به گستردگی و شعله ور بودن آتشی که حضرت ابراهیم در آن افکنده شد اشاره کرده است:

چوی نار نەمرود پەی خلیل الله
شولەی لە هەر سو مەیەی تەجەلا
(ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۶۴)

ترجمه: همچون آتش نمرود برای حضرت ابراهیم است که شعله‌اش در هر جا نورافشانی می‌کند و فروزان می‌شود. چوی: همچون.

هەفتا و دو ملەت کلی کەی نابود
مەردم وادار کەی وه دین نەمرود
(ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۶۶)

ترجمه: آن آتش هفتاد و دو ملّت را نابود می‌کند و مردم را به پذیرش دین نمرود مجبور می‌کند.

ابیات فوق به داستان آتش نمرود که در آیه‌ی ۶۸ سوره‌ی انبیاء آمده است اشاره دارد.

«قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانْصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ» (الأنبیاء: ۶۸)
قوم گفتند ابراهیم را بسوزانید و خدایان را یاری کنید اگر (بر رضای خداوند) کاری خواهید کرد.

شاعر، ممدوحش (امام خمینی ره) را به ابراهیم که به شکستن بت‌ها پرداخت، تشبیه کرده است:

ئەی ابراهیم صفەتم شکانی بت ئاذەری
ئاذەری کیە لەلای ئەولای ئەدنانم امام
(ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۱۹۱)

ترجمه: ای کسی که همچون حضرت ابراهیم بت آذر را شکستی. آذر در مقابل اولاد عدنان (یعنی امام) کیست؟

## ۲.۳.۹. حضرت موسی (ع)

حضرت موسی (ع)، فرزند عمران بزرگ‌ترین پیامبر بنی‌اسرائیل است. ایشان در وادی طور به رسالت مبعوث گردید و به مصر وارد شد و به مبارزه با فرعون پرداخت. (حریری، ۱۳۸۴: ۳۵۷) نام حضرت موسی در قرآن ۱۳۶ بار ذکر شده است. (ابوخلیل، بی‌تا: ۷۳) شاعر، در این بیت به داستان چگونگی مبعوث شدن حضرت موسی و اتفاقاتی که در راه رسیدن به مصر برای وی پیش آمد اشاره دارد:



[ Downloaded from journals.hcac.ir on 2024-04-26 ]
[ DOI: 1052547/koran.7.2.105 ]

دلم چوی موسی له مصر تا وادیه تەمنا
بزان لەکو بووی له شووند تا وه کو هات
(ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۱۱)

ترجمه: دلم همچون حضرت موسی از مصر تا وادی تمنّا در حرکت است. ببین کجا بود و تا کجا به دنبال تو آمد؟

در اینجا دلریش حتی در معانی تغزلی خود نیز به حضرت موسی شیوه زندگی و وضعیت ایشان نظر دارد و از آن الهام می‌گیرد و تأثیر می‌پذیرد. در جای دیگر وی به داستان سخن گفتن حضرت موسی با پروردگار و دیدن نور الهی اشاره دارد:

هساره‌ی سهیل شەفەق زهوران
تەجلی ئەنور نویره کویه طوران
(ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۶۴)

ترجمه: ستاره سهیل به هنگام سپیدی بامداد، همچون تجلّی نور الهی بر کوه طور است. ۱-هساره: ستاره ۲-شەفەق: در زبان کردی به معنای سفیدی بامداد است. ۳-کویه: کوه

### ۲.۳.۱۰. حضرت یعقوب (ع)

یعقوب فرزند اسحق بن ابراهیم (ع)، در کنعان زندگی می‌کرد و پس از پدر و جدش به پیامبری مبعوث شد. پس از مرگ جسدش را از مصر به فلسطین منتقل و دفن کردند. نام وی در قرآن ۱۶ بار ذکر شده است. (مغلوث،۱۴۲۶ هـ. ق: ۱۳۳)

دلریش، در این ابیات به بی‌قراری یعقوب برای هجران و دوری از یوسف اشاره می‌کند:

پایان بەخشه هجره کلبه‌ی احزانی
وه حال یعقوب کنعانی زانی
دویر له وەطنان پرسن حەوالد
قەمیس یوسف ها له جەوالد
(ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۱۶۷)

ترجمه: تو پایان‌دهنده‌ی دوری کلبه‌ی اندوه‌ها هستی و حال و روز یعقوب کنعانی را می‌دانی. کسانی که دور از وطن هستند احوالت را می‌پرسند، پیراهن یوسف در جوال توست؟. زانی: می‌دانی

در این جا در یک مضمونی تغزلی نور دیدگان خود را در گرو دیدن یارش می‌داند، همان‌طور که یعقوب با دیدن یوسف نور چشمانش را بازیافت:

وینه‌ی دو دیده‌ی یعقوب له بو قەمیسه یوسف
ساقەو بی دیدگانم تاگەر له زلفد بو هات
(ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۱۱)

تا از زلف تو بویی رسید، چشمانم مانند دیدگان یعقوب از پیراهن یوسف، شفا یافتند. ۱-وینه: همچون، همانند. ۲-ساقه، ساق: سالم، تندرست.۳- بو هات: بو آمد

### ۲.۳.۱۱. حضرت یوسف (ع)

یوسف (ع)، پسر حضرت یعقوب از راحیل و برادر تنی بنیامین بود. یعقوب (ع)، دوازده پسر داشت که از آن میان یوسف از همه نیکوروتر و نیکوسیرت‌تر بود. قرآن مجید داستان یوسف (ع) را احسن القصص (یوسف: ۳) خوانده و با تفصیل تمام در دوازدهمین سوره بیان داشته است (یاحقی، ۱۳۶۹: ذیل یوسف).

شاعر، در این بیت به داستان در چاه افتادن حضرت یوسف اشاره دارد:



[ Downloaded from journals.hcac.ir on 2024-04-29 ]
[ DOI: 1052547/koran.7.2.105 ]

حەضرەت یوسف لە چال دراری
سەلطەنتە مصر وە پیش مەسپاری
(ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۸۳)

ترجمه: حضرت یوسف را از چاه بیرون می‌آوری و حکومت مصر را به او می‌دهی.

دراری: بیرون بیاوری.

## ۲.۳.۱۲. حضرت عیسی(ع)

عیسی بن مریم، در بیت لحم و در زمان هیرودیوس پادشاه روم به دنیا آمد و آخرین پیامبر بنی‌اسرائیل به شمار می‌رود. وی به هدایت بنی‌اسرائیل پرداخت، ولی بر او شوریدند و او را به صلیب کشیدند از معجزات او شفا دادن کور، زنده کردن مرده و سخن گفتن وی در نوزادی است، نامش ۲۵ بار در قرآن ذکر شده است. (المغلوث، ۱۸۴: ۱۴۲۶)

دلریش، در این بیت به داستان دشمنی یهود با حضرت عیسی (ع)، اشاره می‌کند و به صلیب کشیدن وی توسط یهودیان را به تصویر می‌کشد:

یا عیسای مریم، گیرە یهود بوی
صەلیب ئاویزان مەنارەی وجود بوی
(ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۱۴۰)

ترجمه: سرگذشت پیامبران چنین است، عیسی فرزند مریم اسیر یهودیان شد و با صلیب به دار آویخته شد.

## ۲.۳.۱۳. حضرت محمّد (ص)

حضرت محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب در هفدهم ربیع‌الاول سال ۵۳ قبل از هجرت در شهر مکه به دنیا آمد. (ابن‌هشام،۱۳۷۳: ۵۴۰) نام مقدس محمد در قرآن چهار بار در سوره‌های آل‌عمران آیهٔ ۱۳۶، احزاب آیهٔ ۴۰، محمد آیهٔ ۲ و فتح آیهٔ ۲۹؛ ذکر شده است (طبیبی و اسفندیارپور، ۱۳۶۹: ۳۶) در شب معراج پیامبر مسافت میان مسجدالحرام تا مسجدالأقصی را با سیر کردن در آسمان پیمودند. (الحسنی الندوی، ۱۴۰۵: ۹۸)

شاعر، در اشعار خویش به ستایش حضرت محمد می‌پردازد و معجزات ایشان را بیان می‌کند. وی در این بیت به لیلة المعراج و آیات ۱۱ تا ۱۸ سورهٔ نجم اشاره می‌کند:

ئەرا وە نەبی و لیلۀ المعراج
ویت بڕەس وە داد مەریضە محتاج
(ماهیدشتی،۱۳۷۸: ۱۴۸)

ترجمه: (این شعر من) برای نبی «حضرت محمّد(ص)» و شب معراج ایشان است، خودت به داد این بیمار نیازمند برس.

## ۲.۳.۱۴. ابرهه

ابرهة الأشرم، کسی است که برای ویران کردن کعبه به مکه حمله برد، ولی خداوند با پرندگان ابابیل لشکر او را نابود کرد و او شکست خورده به یمن بازگشت و بیماری او را از پای در آورد. در این زمان پیامبر اکرم به دنیا آمد (قیروانی، بی‌تا: ۱۸۹؛ دینوری، بی‌تا: ۱۴۴؛ و صفوری، ۲۰۰۱: ۲/ ۶۱).

طەیر ئەبابیل فەرمان دای پی جەنگ
مەیان لە دەشمن ریزەترین سەنگ
ئەبرە فەرار فیل سوار گریز



[ Downloaded from journals.hcac.ir on 2024-04-26 ]
[ DOI: 1052547/koran.7.2.105 ]

خویرد و خاپور بوین وه حکم ئەزیز (ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۱۴۳)

ترجمه: تو به پرندگان ابابیل فرمان جنگ دادی و سنگ‌ریزه‌ها را به سوی دشمن پرتاب می‌کردند. ابرهه فرار کرد و فیل سواران گریختند و با دستور خداوند توانا نابود شدند. مه‌یان: می‌زدند.

داستان شکست و نابودی ابرهه توسط پرندگان ابابیل در آیات ۳ و ۴ سورهٔ فیل آمده است.

«وَ اَرسَلَ عَلَیهِم طَیراً اَبَابیلَ* تَرمیهِم بِحِجَارَةٍ مِن سِجّیلٍ» (الفیل: ۴-۳) و (خداوند) برای هلاک آن‌ها مرغانی گروه گروه فرستاد. تا آن سپاه به سنگ‌های سجیل (دوزخی) سنگباران کردند.

## نتایج

دلریش، شاعری دیندار و دوستدار قرآن است و در شعرش از قرآن بسیار تأثیر پذیرفته و با آیات قرآنی مضمون‌های شعرش را عمیق و غنی ساخته است. این أثرپذیری به سه گونه در دیوانش بازتاب یافته است. نخست اقتباس از آیات قرآنی که وی در برخی از ابیات یک آیه‌ی کامل و در مواردی نیز بخش اعظم آیه را یا جزئی از آن را اقتباس نموده است و در شعرش به کار برده است.

گونه‌ی دیگر تلمیح و اشاره به آیات قرآن است که شاعر یا با به کارگیری واژگان قرآنی به آیه یا آیات قرآن و موضوعات آن اشاره کرده یا اینکه بدون واژگان قرآنی و با زبان کُردی به آیات قرآنی اشاره کرده و به شرح روایات و داستان‌های مربوط به آن‌ها پرداخته است. همچنین وی در اشعار خویش نام پیامبران الهی و شخصیت‌های قرآنی را ذکر کرده و سرگذشت و حوادثی که برای آن‌ها روی داده را بیان می‌کند، وی در این زمینه نیز در برخی ابیات با آوردن بخشی از آیات قرآنی و در مواردی دیگر بدون آوردن آیات و واژگان قرآنی به شخصیت‌های قرآنی اشاره کرده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

[ Downloaded from journals.hcac.ir on 2024-04-03 ]

[ DOI: 1052547/koran.7.2.105 ]

## یادداشت‌ها

[۱] . آیات قرآن کریم بر اساس ترجمه مرحوم مهدی الهی‌قمشه‌ای انجام گرفته است.

[۲] . خاقانی نیز در بیتی عبارت لاتقنطوا را به کار برده است:

لاتعجبوا اشارت کرده به مرسلین
لاتقنطوا بشارت داده به انقیاء
(خاقانی، ۵: ۱۳۷۳)

برای آگاهی بیشتر از این مضمون نک (موسوی و ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۳).

[۳] . در متن لاتنقطوا آمده که حرف «ن» و «ق» با هم عوض شده است که معنای آن با بیت ناهماهنگ است.

[۴] . البته در متن به جای «قُل»، «مرقل» آمده که به نظر اشتباه چاپی است.

[۵] . عبارت جنات تجری من تحتها الأنهاربیست و هفت بار و به شکل جنات تجری تحتها الأنهار نیز یک بار در قرآن آمده است (نک نظری، ۱۳۸۹: ۱۴۰).

[۶] . احتمالاً منظور ایشان «فی جنات تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» باشد که در این‌جا به نظر می‌رسد اشتباه چاپی بوده است.

[۷] . در این جا شاعر «القی عصای لاتحف» ذکر کرده که به نظر در کاربرد برخی واژگان با اصل آیه تطابق نداشته باشد، زیرا «ی» را به جای «ک» و «تحف» را به جای «تخف» به کار برده است. اصل آیه «الق عصاک لاتخف» است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

[ Downloaded from journals.hcac.ir on 2024-09-03 ]

[ DOI: 1052547/koran.7.2.105 ]

## فهرست منابع

### کتاب


- قرآن کریم

-الآبي، أبوسعد منصور بن الحسين (۲۰۰۴). **نثر الدر**، تحقيق: خالد عبد الغني محفوظ، الطبعة الأولى، بيروت: دار الكتب العلمية.

-الأبشيهي، شهاب‌الدين محمد بن أحمد أبي‌الفتح (۱۹۸۶). **المستطرف في كل فن مستظرف**؛ تحقيق مفيد محمد قميحة، الطبعة الثانية، لبنان: دارالكتب العلمية.

-ابن‌هشام، عبدالملک (۱۳۷۳ش). **سیرت رسول الله**، ترجمه قاضی ابرقوه، تهران: نشر مرکز.

- ابوخلیل، شوقی (بلاتا). **اطلس القرآن**، دمشق: المطبعة الهاشمية.

- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۱۵). **روح‌المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**، بیروت: دارالکتب العلمیة.

- البیاتی، عبدالوهاب (۱۹۹۰). **تجربتی الشعریة**، الطبعة الثالثة، بیروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر.

- التفتازانی، سعد الدین مسعود بن عمر (۱۴۰۹). **المطول**، قم: مکتبة الداوری.

- تهامی، غلامرضا (۱۳۸۶). **فرهنگ اعلام تاریخ اسلام**، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- الثعالبی، أبي‌منصور عبدالملك بن محمد بن إسماعيل (۱۹۶۵). **ثمار القلوب في المضاف والمنسوب**، تحقيق: محمد أبوالفضل إبراهيم، الطبعة الأولى، القاهرة: دار المعارف.

-الجاحظ، عثمان بن عمرو (بلاتا). **البغال**، موقع الوراق، الكتاب مرقم آليا غيرموافق للمطبوع.

- الجاحظ، عثمان بن عمرو (بلاتا). **الرسائل**، موقع الوراق، الكتاب مرقم آليا غيرموافق للمطبوع.

- جاد الموالی، محمداحمد، محمد ابوالفضل، ابراهیم، علی محمد، البجاوی، السید شحاته (۱۳۸۶). **قصه‌های قرآنی**، ترجمه: مصطفی زمانی، چاپ اوّل، قم: پژواک اندیشه.

- جارم، علی؛ امین، مصطفی (۱۴۱۳). **البلاغة الواضحة**، قم: سید الشهداء.

- جرجانی، میر سید شریف (۱۹۳۸). **التعریفات**، الطبعة الأولی، القاهره: دار المعارف.

- الحسنی الندوی، ابوالحسن علی (۱۴۰۵). **سیرة خاتم النبیین**، الطبعة التاسعة، بیروت: مؤسسة الرسالة.

- حلبی، علی‌اصغر (۱۳۷۲). **تأثیر قرآن و حدیث در ادب پارسی**، تهران: اساطیر.

- خاقانی، افضل‌الدین بدیل (۱۳۷۳). **دیوان**؛ تصحیح: ضیاءالدین سجادی، تهران: زوّار.

- خرمشاهی؛ بهاءالدین (۱۳۷۶). **قرآن‌پژوهی**، چاپ سوم، تهران: ناهید.

- الخطیب القزوینی، محمد بن عبدالرحمن جلال‌الدین (۱۹۸۲)، **الایضاح فی علوم‌البلاغة**، الطبعة الأولی، القاهرة: مطبعة محمدعلی صبیح.

- الدینوري، ابن‌قتیبة (بلاتا). **المعارف**، موقع الوراق، الكتاب مرقم آليا غيرموافق للمطبوع.




[ Downloaded from journals.hcac.ir on 2024-04-26 ]

[ DOI: 1052547/koran.7.2.105 ]

- راشد محصل، محمدرضا (۱۳۸۰). **پرتوهایی از قرآن و حدیث در ادب فارسی**، تهران: آهنگ قلم.

- رسولی محلاتی، هاشم (۱۳۸۷). **تاریخ انبیاء**، چاپ بیست و یکم، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

- الصفوري، عبدالرحمن بن عبدالسلام (۲۰۰۱). **نزهة المجالس و منتخب النفائس**، تحقيق: عبد الرحيم ماردیني، بيروت، دمشق: دار المحبة، دار آية.

- القلقشندي، أحمد بن علي (۱۹۸۷). **صبح الأعشى في صناعة الانشاء**، تحقيق يوسف علي طويل، الطبعة الأولى، دمشق: دار الفكر.

- القيرواني، ابن‌رشيق (بلاتا). **العمدة في محاسن الشعر و آدابه**، موقع الوراق، الكتاب مرقم آليا غيرموافق للمطبوع.

- ماهیدشتی، دلریش (۱۳۷۸). **دیوان دلریش ماهیدشتی، اشعار کُردی**، چاپ اوّل، کرمانشاه: طاق بستان.

- محمدی اشتهاردی، محمد (۱۳۷۹). **قصه‌های قرآن**، چاپ دوم، تهران: نبوی.

- مصاحب، غلامحسین (۱۳۴۵). **دایرةالمعارف فارسی**، چاپ اوّل، تهران: فرانکلین.

- المغلوث، سامی عبدالله (۱۴۲۶). **أطلس تاريخ الأنبياء و الرسل**، الطبعة السادسة، ارياش: مكتبة العكبيان.

- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف (۱۳۷۴). **کلّیّات خمسه ج ۱**، تصحیح: وحید دستگردی، چاپ اوّل، تهران: راد.

- نیشابوری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۸۵). **قصص الأنبياء**، تهران: زرین.

- الهاشمي، احمد (۱۳۷۶). **جواهرالبلاغة فی المعانی و البیان و البدیع**، قم: مکتب الأعلام.

- یاحقي، محمدجعفر (۱۳۶۹). **فرهنگ اساطیر**، چاپ اوّل، تهران: سروش.

## مقالات

- سیفی، طیبه (۱۳۹۱). «بینامتنی اشعار عبدالوهاب البیاتی با قرآن کریم» **مجله پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم**، سال دوم، شماره دوم، (شماره پیاپی ۵)، صص ۷۱-۸۰.

- طبیبی، سیدمحمد، اسفندیارپور، هوشمند (۱۳۹۲). «بررسی شخصیت‌های قرآنی در منطق الطیر» **فصلنامهٔ مطالعات قرآنی**، سال چهارم، شمار۱۳، صص۲۳-۴۷.

- موسوی، سیده‌زهرا، ذوالفقاری، محسن (۱۳۹۲)، «نقد و تحلیل شیوه‌های تأثیرپذیری از قرآن و حدیث در شعر خاقانی»، **مجلهٔ پژوهش‌های ادبی قرآنی**، سال۱، شماره۱، صص۹-۳۲.

- نظری، علی (۱۳۸۹)، «چشم داشت حافظ به کدام «جنات تجری من تحتها الانهار؟» **مجلهٔ پژوهش دینی**، شماره بیستم، صص۱۳۹-۱۶۲.



[ Downloaded from journals.hcac.ir on 2024-04-26 ]
[ DOI: 1052547/koran.7.2.105 ]